www.edcbmj.ir e-ISSN: 2345-5284

Education Strategies in Medical Sciences (ESMS)

Journal homepage: www.edcbmj.ir/en e-ISSN: 2345-5284

Baqiyatallah University of Medical Sciences

Teachers' Attitudes toward Teaching-Learning Methods of Entrepreneurship Education in Elementary Education

Hossein Zangeneh[1*], Alireza Kavousi[2], Zahra Bahrami[3]

[1] Department of Educational Science, University of Bu-Ali Sina, Hamedan, Iran

**Corresponding author: Hossein Zangeneh,, Department of Educational Science, University of Bu-Ali Sina, Hamedan, Iran Email: Zangeneh@basu.ac.ir*

Article Info

Keywords:
Entrepreneurship, Entrepreneurial learning, Entrepreneurship in elementary school, Teaching, Learning strategy

Abstract

Introduction: Today, the importance of entrepreneurship in the economic system has led to its development in the fundamental sectors of a country, including education and training. Since entrepreneurship education is an important factor in the development of entrepreneurship characteristics of students, the purpose of this study was to study the attitudes of teachers toward teaching and learning methods of entrepreneurship education in elementary schools.

Methods: The present study was conducted descriptively and survey method. The statistical population consisted of all elementary school teacher trainees in the year 2017, and the sample group consisted of 44 volunteer trainees. A researcher-made questionnaire was used to collect informations. The validity of the contents of the questionnaire was confirmed by seeking opinion of the experts and its reliability was assessed using the Cronbach's alpha (0.94) test. The collected data were analyzed using SPSS V. 24 software and Kolmogorov-Smirnov test to ensure the normal distribution of the data and the T-test was done in order to assess teachers' attitude towards teaching techniques, content and evaluation were analyzed from the perspective of entrepreneurship in elementary school.

Results: The results of the research indicated that the mean and standard deviation of the teaching technique was 4.11 ± 0.65; the content presentation was 4.18 ± 0.69; and finally, the evaluation value was 3.95 ± 0. 67 which was larger than the mean and this difference was significant at the level of 0.01. ($p < 0.01$); therefore, with 99% confidence, teachers' attitude toward entrepreneurship in the elementary period is positive and significant.

Conclusion: Teachers are one of the most important factors affecting entrepreneurship education in elementary school. Because of their special role in teaching, if they have a good attitude and entrepreneurial insight, they can integrate entrepreneurship education with teaching and learning strategies in their teaching and can act an important role facilitating the development of creative people with a spirit and entrepreneurial attitude.

Copyright © 2020, Education Strategies in Medical Sciences (ESMS). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی
دوره ۱۲، شماره ۶، ۱۳۹۸
صفحات: ۱-۷

نگرش معلمان به روش‌های یاددهی-یادگیری آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی

حسین زنگنه[1]*، علیرضا کاوسی[2]، زهرا بهرامی[3]

[1] گروه علوم‌تربیتی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران

نویسنده مسوول: حسین زنگنه، گروه علوم‌تربیتی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. ایمیل: Zangeneh@basu.ac.ir

چکیده

مقدمه: امروزه اهمیت کارآفرینی در سیستم اقتصادی منجر به توسعه آن در بخش‌های بنیادین یک کشور از جمله آموزش‌وپرورش شده است. از این رو از آنجا که آموزش کارآفرینی عامل مهمی در رشد و توسعه خصیصه‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان به حساب می‌آید، هدف پژوهش حاضر مطالعه‌ی نگرش معلمان به روش‌های یاددهی- یادگیری آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی بود.

روش‌ها: پژوهش حاضر به شیوه‌ی توصیفی و به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه مهارت‌آموزان آموزگار ابتدایی ماده‌ی ۲۸ ورودی سال ۱۳۹۶ و در نهایت گروه نمونه شامل ۴۴ نفر از مهارت‌آموزان آموزگاری ابتدایی داوطلب بودند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده گردید. روایی محتوایی پرسشنامه به روش نظرخواهی از صاحبنظران و اعتماد یا پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۹۴/. تأیید شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار spss v 24 و آزمون کالموگروف-اسمیرنوف جهت اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها و آزمون تی تک نمونه به منظور بررسی نگرش معلمان در ابعاد فنون تدریس، محتوا و ارزشیابی از منظر کارآفرینی در دوره ابتدایی تجزیه و تحلیل گردیدند.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از پژوهش بیانگر این بودند که میانگین و انحراف استاندارد بعد فنون تدریس ۴/۱۱±۰/۶۵؛ بعد ارائه ی محتوا ۱۸/۶۹±۴/۰؛ و نهایتاً بعد ارزشیابی ۳/۹۵±۰/۶۷ بود که از میانگین آماری بزرگتر و این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار شد. زیرا (p> ۰/۰۱)؛ بنابراین با ۹۹٪ اطمینان می توان گفت که نگرش معلمان نسبت به کارآفرینی در دوره ابتدایی مثبت و معنی‌دار می‌باشد.

نتیجه‌گیری: معلمان یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی بوده و به دلیل ایفای نقش خاص خود طی تدریس، چنانچه از نگرش و بینش خوبی نسبت به کارآفرینی برخوردار باشند، می توانند با ادغام آن با راهبردها و روش‌های یاددهی-یادگیری در کلاس، در پرورش افرادی خلاق و دارای روحیه و نگرش کارآفرینی بسیار تسهیل گر باشند

واژگان کلیدی: کارآفرینی، یادگیری کارآفرینی، کارآفرینی در دوره ی ابتدایی ، راهبرد یاددهی یادگیری

مقدمه

طی دهه‌ی اخیر کارآفرینی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، زندگی روزانه مردم تمام کشورهای دنیا را تحت‌تأثیر قرار داده و تبدیل به موضوعی داغ در جامعه شده است. همچنین سیاستمداران و اقتصاددانان به علت تأثیر آن بر توسعه‌ی اقتصادی و ایجاد اشتغال، آن را به عنوان یکی از عوامل کلیدی جهت افزایش نوآوری و رشد اقتصادی معرفی کرده‌اند و در نتیجه کارآفرینی طی زمان درون قلمروهای جدید و اخیراً به علت اهداف سیاسی، اقتصادی و فردی وارد محیط مدرسه شده است (۱، ۲، ۳ و ۴). هنگام بحث در مورد آموزش کارآفرینی در محیط تعلیم و تربیت، واژه کارآفرینی به دو مفهوم کارآفرینی بیرونی و درونی تقسیم می‌شود. مفهوم کارآفرینی بیرونی بر تدریس محتوای کارآفرینی همچون اطلاعات دانشی و زمینه‌ای در دنیای کسب‌وکار، برنامه‌ریزی مالی، انتخاب بازار و نظایر این‌ها (۵) اشاره دارد و مفهوم کارآفرینی درونی مربوط به توسعه‌ی نگرش‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه که شامل رشد صلاحیت‌های فردی خاصی است و به صورت مستقیم روی خلق کسب‌وکار جدید تمرکز ندارد (۱ و ۶) و هدف آن رشد شخصی و ارتقای مهارت‌هایی مانند پیشگام بودن، جستجوگر فرصت‌ها بودن، مسئولیت‌پذیر بودن، مشارکت‌جویی، داشتن اعتمادبنفس، خلاق بودن و ریسک‌پذیر بودن در کودکان است (۱). طبق نظر آکسلسون، هگلوند و زندبرگ (۱) در فعالیت‌های مربوط به مدرسه، مفهوم کارآفرینی به "یادگیری کارآفرینانه (entrepreneurial learning)" تغییر یافته است و یادگیری کارآفرینانه را به عنوان رویکرد یاددهی و یادگیری می‌بینند. در این زمینه سایکولالاینو و همکاران (۷) معتقدند هدف از آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان این است که بتوانند در جامعه‌ی رو به رشد و در حال پیچیده شدن خود را وفق دهند و با آن سازگار گردند. علاوه بر این، هدف این است که بتوانند نقش فعالی در بازار کار داشته باشند و کارآفرینی را به عنوان گزینه شغلی طبیعی درنظر بگیرند. بنابراین آموزش کارآفرینی شامل توسعه‌ی رفتار، مهارت‌ها و نگرش‌های فردی یا گروهی برای کمک به افراد و سازمان‌ها از هر نوع جهت خلق، انطباق با تغییر، لذت بردن از آن و نوآوری است. پژوهش‌ها در این زمینه نشان داده است که محیط تعلیم‌وتربیت کارآفرینی از این دیدگاه پشتیبانی می‌کند و خصیصه‌ها و مهارت‌های شخصی را به این مفهوم مرتبط می‌داند (۶ و ۸). از این رو ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه‌درسی کلاس درس باید به روشی انجام شود که خصیصه‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان رشد و توسعه یابد. یکی از راه‌های عملی کردن این امر، تأکید بیشتر معلمان بر جنبه‌های عملی موضوعات درسی و ادغام موضوعات درسی علوم با همدیگر است (۹). در زمینه‌ی روش‌های یاددهی-یادگیری مناسب کارآفرینی، پژوهش‌های انجام گرفته نشان داده‌اند که مهم است از روش‌های تدریس و ارزشیابی و مواد و محتوای یادگیری‌ای استفاده گردد که مربوط با محیط واقعی کارآفرینی، یادگیری فعال و مبتنی بر تجاربی باشد که در آن یادگیرندگان برای اکتشاف و جستجوی بخش‌های مختلف یک مسئله ترغیب گردند، یاد بگیرند تا از عهده‌ی شکست برآیند و از وابستگی به منابع بیرونی اطلاعات و متخصصان به سمت استقلال و تفکر مستقل حرکت کنند؛ به عبارت دیگر، روش‌های یاددهی – یادگیری‌ای که مبتنی بر بحث و گفتگو در مورد تجارب یادگیری، تحلیل موقعیت، حل مسأله، تحلیل ایده‌ها و استدلال باشند (۱۰ و ۱۱). بنابراین مطابق این پژوهش‌ها، یکی از راه‌های آموزش کارآفرینی در کلاس درس، ادغام آن با فرایند و روش یاددهی-یادگیری کلاس درس است و معلمان یکی از عوامل اصلی و مهم ادغام آموزش کارآفرینی با راهبردهای یاددهی-یادگیری کلاس درس هستند. در این زمینه تحقیقات نشان می‌دهند که جهت رسیدن به اهداف آموزش کارآفرینی در مدارس، وجود معلمانی که بتوانند این اهداف را با فرآیندها و روش‌های یاددهی-یادگیری خود در کلاس درس ادغام نمایند، بسیار احساس می‌شود (۱۲، ۱۳ و ۱۴). معلمان می‌توننند کارآفرینی را با فرآیند یاددهی-یادگیری و زندگی روزمره ی کودکان طوری گره بزنند که کودکان ناخواسته مثل کارآفرینان فکر کنند، متعهد گردند، ریسک پذیر و مسئولیت پذیر شوند، از مهارت های حل مسئله برخوردار گردند، فرصت های ثروت آفرین مادی و معنوی را به خوبی تشخیص دهند و قادر باشند تا ارزش آفرینی کنند که این خصیصه های کارآفرینانه چیزی نیست که طی یک کلاس یا حتی یکسال تحصیلی پرورش پیدا بکند، بلکه نیازمند استمرار و بذل توجه خاص معلمان در این زمینه طی سالیان متمادی است. بنابراین با توجه به اینکه معلمان یکی از عوامل اصلی در این زمینه هستند، توجه و پژوهش درباره‌ی نقش و نگرش معلم در زمینه‌ی کارآفرینی، آموزش، رشد و پرورش روحیه‌ی کارآفرینی کودکان اهمیت خاصی می‌یابد. معلم به دلیل ایفای نقش خاص خود در کلاس درس می‌تواند دید و نگرش خاصی را نسبت به کارآفرینی گسترش دهد. در این زمینه اوجو، چینوی و اوبیاما (۹) اشاره می‌کنند که نگرش جنبه‌ی مهمی از رفتار و دانش انسانی است که واکنش ها را نسبت به رویدادها، موضوعات و افراد تعیین می‌کند. نگرش در واقع تلاش برای قضاوت چیزی است و تحت‌تأثیر تجارب، باورها و ادراکات افراد قرار دارد. آن‌ها نگرش را یک ارزیابی از ویژگی‌ها توصیف می‌کنند که از بسیار منفی تا بسیار مثبت متغیر است. متأسفانه در زمینه نگرش معلمان در مورد آموزش کارآفرینی در کلاس درس دوره‌ی ابتدایی پژوهش‌هایی اندکی صورت گرفته است. با توجه به اهمیت نقش معلم در ادغام کارآفرینی با روش‌ها و فرایندهای یاددهی-یادگیری کلاس درس، می‌توان اینگونه تبیین کرد که بررسی نگرش معلمان نسبت به ادغام آموزش کارآفرینی با فرایندهای و روش‌های

یاددهی–یادگیری کلاس درس بسیار مهم و حیاتی بوده و می تواند نقش تعیین‌کننده ای در پرورش خصیصه های کارآفرینانه در کودکان یا دانش آموزان ایفاء نماید. در نتیجه، از آنجا که دوران کودکی و نوجوانی گروه سنی مناسبی برای اکتساب نگرش‌های مثبت نسبت به کارآفرینی هستند (۱) و همچنین از آن‌جاکه مطالعات پیشین کمتر به نگرش معلمان در این زمینه پرداخته‌اند، این پژوهش به طور ویژه درصدد پاسخگویی به این سئوال است که نگرش معلمان به روش‌های یاددهی–یادگیری آموزش کارآفرینی در دوره ی ابتدایی چگونه است؟ و سئوالات جزئی پژوهش شامل: ۱) نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش تدریس از منظر کارآفرینی در دوره‌ی ابتدایی چگونه است؟، ۲) نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش‌های ارزشیابی از منظر کارآفرینی در دوره‌ی ابتدایی چیست؟ و ۳) نگرش معلمان نسب به راهبردها و روش‌های ارائه ی محتوا از منظر کارآفرینی در دوره‌ی ابتدایی چیست؟، می‌باشد. بنابراین با توجه به سئوال اصلی پژوهش، هدف اصلی پژوهش حاضر، مطالعه نگرش معلمان به فرآیندها و روش‌های یاددهی– یادگیری آموزش کارآفرینی در کلاس درس دوره ابتدایی است.

روش‌ها

پژوهش حاضر به شیوه‌ی توصیفی و به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه‌ی هدف تحقیق شامل کلیه مهارت‌آموزان آموزگار ابتدایی ماده‌ی ۲۸ ورودی سال ۱۳۹۶ بودند و در نهایت جامعه‌ی نمونه شامل ۴۴ نفر از مهارت‌آموزان آموزگاری ابتدایی داوطلب جهت تکمیل پرسشنامه از دانشگاه‌های پردیس شهید مقصودی، پردیس علامه طباطبایی لرستان و مرکز آموزش عالی فرهنگیان شهید مدنی قم بودند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده گردید و پرسشنامه به صورت الکترونیکی طراحی گردید و به مهارت‌آموزان ارسال شد و ۴۴ نفر از مهارت‌آموزان داوطلب به پاسخگویی شدند. این پرسشنامه توسط پژوهشگران با مطالعه‌ی مقالات فارسی در حیطه فرایند و روش‌های آموزش کارآفرینی در کلاس درس و ایجاد طبقه‌بندی از مطالب جمع‌آوری شده، طراحی و به سه بخش تقسیم گردید. بخش اول مربوط به روش تدریس دارای ۷ سؤال، بخش دوم مربوط به محتوا شامل ۷ سؤال و بخش سوم مربوط به ارزشیابی دارای ۷ سؤال بودند. نهایتاً کل بخش‌ها ۲۱ سؤال را شامل می‌شدند. روایی محتوایی پرسشنامه به روش نظرخواهی از صاحبنظران و اعتماد یا پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۹۴/. تأیید شد. همچنین جهت نمره‌دهی از مقیاس لیکرت به صورت کاملاً موافق (۵)، موافق (۴)، نظری ندارم (۳)، مخالفم (۲) و کاملاً مخالفم (۱) استفاده شد. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار spss v. 24 و آزمون کالموگروف–اسمیرنوف جهت اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها و آزمون تی تک نمونه به منظور بررسی نگرش معلمان در ابعاد فنون تدریس، محتوا و ارزشیابی از منظر کارآفرینی در دوره ابتدایی تجزیه و تحلیل گردیدند.

نتایج

قبل از انجام تحلیل سؤال‌های پژوهش لازم بود که از پیش فرض‌های آماراستنباطی از جمله نرمال بودن توزیع داده‌ها اطمینان حاصل شود. نتایج آزمون کالموگروف–اسمیرنوف در جدول ۱ ارائه شده است.

با توجه به نتایج آزمون کالموگروف– اسمیرونوف در جدول فوق، می توان اظهار نمود که متغیرهای پژوهش نرمال می باشند. زیرا سطح معناداری کلیه مقادیر Z در هریک از متغیرها بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد (p<۰/۰۵). توزیع فراوانی و درصد پاسخگویی نگرش معلمان به فنون تدریس، محتوا و ارزشیابی از منظر کارآفرینی در دوره ابتدایی در جدول ۲ ارائه شده است.

با توجه به نتایج جدول بالا، فراوانی، درصد و میانگین ابعاد مطرح شده در خصوص نگرش معلمان به کارآفرینی به تفکیک هر سؤال، حاکی از نگرش مثبت آنان به کارآفرینی در دوره ابتدایی است. نتایج آزمون تی تک نمونه به منظور بررسی نگرش معلمان در ابعاد فنون تدریس، محتوا و ارزشیابی از منظر کارآفرینی در دوره ابتدایی در جدول ۳ ارائه شده است.

با توجه به نتایج جدول بالا، میانگین و انحراف استاندارد بعد فنون تدریس ۴/۱۱±۰/۶۵؛ ارائه ی محتوا ۴/۱۸±۰/۶۹؛ بعد ارزشیابی ۹۵/۶۷±۳/۰ بود که از میانگین آماری (۳) بزرگتر است و این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار است (p> ۰/۰۱). بنابراین با ۹۹٪ اطمینان می توان گفت که نگرش معلمان نسبت به کارآفرینی در دوره ابتدایی مثبت و معنی‌دار می‌باشد. نتایج آزمون تی مستقل به منظور بررسی تفاوت نگرش معلمان نسبت به کارآفرینی در دوره ابتدایی بر اساس جنسیت در جدول ۴ ارائه شده است.

نتایج حاصل از جدول ۴ نشان می‌دهدکه t مشاهده شده در سطح (P>۰/۰۵) تفاوت معنی‌داری بین نگرش معلمان در خصوص کارآفرینی در دوره ابتدایی بر اساس جنسیت نشان نمی‌دهد. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه مقایسه نگرش معلمان به کارآفرینی در دوره ابتدایی بر اساس مدرک تحصیلی در جدول ۶ ارائه شده است.

نتایج حاصل از جدول ۵ نشان می‌دهد، F مشاهده شده در سطح (P>۰/۰۵) تفاوت معنی‌داری بین میانگین نگرش معلمان در خصوص کارآفرینی در دوره ابتدایی بر اساس مدرک تحصیلی نشان نمی‌دهد.

جدول۱: نتیجه آزمون کالموگروف – اسمیرونوف برای نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیر	تعداد	مقدار Z	p-value
راهبردها و روش تدریس	۴۳	۰/۷۳	۰/۶۵
ارائه‌ی محتوا	۴۳	۱/۰۷	۰/۲۰
ارزشیابی	۴۳	۰/۹۲	۰/۳۶

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخ ها به هریک از گویه‌های پرسشنامه پژوهش

ابعاد	سناریوها	کاملا مخالفم درصد و فراوانی	مخالفم درصد و فراوانی	نظری ندارم درصد و فراوانی	موافقم درصد و فراوانی	کاملا موافقم درصد و فراوانی	میانگین
فنون تدریس	۱	۴/۷ (۲)	۴/۷ (۲)	۱۱/۶ (۵)	۴۶/۵ (۲۰)	۳۲/۶ (۱۴)	۳/۹۷
	۲	۲/۳ (۱)	۰	۱۴/۰ (۶)	۴۴/۲ (۱۹)	۳۹/۵ (۱۷)	۴/۱۸
	۳	۲/۳ (۱)	۲/۳ (۱)	۷/۰ (۳)	۴۶/۵ (۲۰)	۴۱/۹ (۱۸)	۴/۲۳
	۴	۰	۷/۰(۳)	۲/۳ (۱)	۵۵/۸ (۲۴)	۳۴/۹ (۱۵)	۴/۱۸
	۵	۲/۳ (۱)	۴/۷ (۲)	۱۱/۶ (۵)	۴۴/۲ (۱۹)	۳۲/۶ (۱۴)	۴/۰۹
	۶	۲/۳ (۱)	۲/۳ (۱)	۹/۳ (۴)	۵۵/۸ (۲۴)	۳۰/۲ (۱۳)	۴/۰۹
	۷	۲/۳ (۱)	۰	۱۶/۳ (۷)	۵۱/۲ (۲۲)	۳۰/۲ (۱۳)	۴/۰۶
محتوا/برنامه درسی	۱	۲/۳ (۱)	۲/۳ (۱)	۲/۳ (۱)	۵۱/۲ (۲۲)	۴۱/۹ (۱۸)	۴/۲۷
	۲	۲/۳ (۱)	۹/۳ (۴)	۲۰/۹ (۹)	۳۲/۶ (۱۴)	۳۴/۹ (۱۵)	۳/۸۸
	۳	۲/۳ (۱)	۴/۷ (۲)	۱۶/۳ (۷)	۳۹/۵ (۱۷)	۳۲/۶ (۱۴)	۴/۰۴
	۴	۲/۳ (۱)	۴/۷ (۲)	۴/۷ (۲)	۲۵/۶ (۱۱)	۶۲/۸ (۲۷)	۴/۴۱
	۵	۲/۳ (۱)	۰	۱۴/۰ (۶)	۳۹/۵ (۱۷)	۴۴/۲ (۱۹)	۴/۲۳
	۶	۲/۳ (۱)	۲/۳ (۱)	۹/۳ (۴)	۴۴/۲ (۱۹)	۴۱/۹ (۱۸)	۴/۲۰
	۷	۲/۳ (۱)	۲/۳ (۱)	۲/۳ (۱)	۵۸/۱ (۲۵)	۳۴/۹ (۱۵)	۴/۲۰
ارزشیابی	۱	۲/۳ (۱)	۲/۳ (۱)	۹/۳ (۴)	۶۰/۵ (۲۶)	۲۵/۶ (۱۱)	۴/۰۴
	۲	۲/۳ (۱)	۲/۳ (۱)	۴/۷ (۲)	۳۲/۶ (۱۴)	۵۸/۱ (۲۵)	۴/۴۱
	۳	۴/۷ (۲)	۱۱/۶ (۵)	۲۰/۹ (۹)	۵۱/۲ (۲۲)	۱۱/۶ (۵)	۳/۵۳
	۴	۲/۳ (۱)	۷/۰ (۳)	۱۴/۰ (۶)	۳۴/۹ (۱۵)	۴۱/۹ (۱۸)	۴/۰۶
	۵	۴/۷ (۲)	۱۱/۶ (۵)	۱۸/۶ (۸)	۳۹/۵ (۱۷)	۲۵/۶ (۱۱)	۳/۶۹
	۶	۲/۳ (۱)	۲/۳ (۱)	۱۱/۶ (۵)	۶۰/۵ (۲۶)	۲۳/۳ (۱۰)	۴/۰۰
	۷	۲/۳ (۱)	۷/۰ (۳)	۱۶/۳ (۷)	۴۶/۵ (۲۰)	۲۷/۹ (۱۲)	۳/۹۰

جدول۳: بررسی نگرش معلمان به کارآفرینی در دوره ابتدایی با استفاده از آزمون t تک‌گروهی

شاخص متغیر	میانگین مشاهده‌شده	انحراف استاندارد	میانگین آماری[۱]	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
فنون تدریس	۴/۱۱	۰/۶۵	۳	۱۱/۲۲	۴۲	۰/۰۰۰۱**
محتوا/برنامه درسی	۴/۱۸	۰/۶۹	۳	۱۱/۲۰	۴۲	۰/۰۰۰۱**
ارزشیابی	۳/۹۵	۰/۶۷	۳	۹/۲۶	۴۲	۰/۰۰۰۱**

بحث

نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش تدریس از منظر کارآفرینی در دوره‌ی ابتدایی چگونه است؟ نتایج تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه نگرش‌سنجی در بعد راهبردها و روش تدریس در پژوهش حاضر نشان دادند که با ۹۹٪ اطمینان می توان گفت که نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش‌های تدریس کارآفرینی در دوره ابتدایی مثبت و معنی دار می‌باشد. در رابطه با بحث در مورد پژوهش حاضر می‌توان گفت که این یافته توسط پژوهش‌های گیب (نقل از منبع شماره ۷، ۱۰)، زوپرکا (نقل از منبع شماره ۱۱) ، اوجو، چینوی و اوبیاما (۹)، تیبنی و وربالین (۱۱)، هارا و جنسن (۶)، سوآری (۸) پشتیبانی می‌گردد. در این زمینه، سوآری (۸) معتقد است روش‌های تدریس سنتی و متعارف کلاس‌های درس در بارآوردن افرادی با خصیصه‌های کارآفرینی ناتوان هستند و ماهیت این خصیصه‌ها با روش‌های تدریس فعال و اکتشافی همخوان است نه روش‌ها سنتی و معلم‌محور. بنابراین طبق نظر سوآری (۸) می‌توان اینگونه تبیین کرد که روش‌های تدریس فعال و یادگیرنده‌محور یکی از مهمترین عواملی است که معلمان می‌توانند از طریق آن‌ها در رشد خصیصه‌های کارآفرینی در کودکان موفق باشند. همچنین در تعلیم‌وتربیت کارآفرینانه، گیب (نقل از منبع شماره ۷) بر فعال بودن یادگیرنده در فرایند یادگیری تأکید دارد و معتقد است در این رویکرد یادگیری، باید از

۱- میانگین آماری هر گویه در مقیاس لیکرت ۳ است؛ زیرا ۳= ۵÷۱۵=۵+۴+۳+۲+۱.

روش‌های تدریس غیرسنتی و نوینی استفاده کرد که در آن یادگیرنده فعال است و به ساخت دانش مشغول است نه تنها مصرف اطلاعات و دانش؛ و محیط یادگیری نیز باید منعطف و تعاملی باشد. زوپرکا (نقل از منبع شماره۱۱) نیز در پژوهش خود روش‌های تدریس معلمان را در کلاس درس کارآفرینی، مورد تجزیه‌وتحلیل قرار داد و دریافت که اکثر روش‌های تدریس استفاده شده توسط معلمان بر پایه‌ی یادگیری همیارانه، بارش مغزی، بحث و گفتگو، شبیه‌سازی موقعیت‌ها و ایفای نقش هستند. شاید یکی از دلایل همسویی پژوهش او با تحقیق حاضر این باشد که او نیز معتقد است که معلمان جهت پرورش ویژگی‌ها و خصیصه‌های کارآفرینانه مثل روحیه‌ی کار جمعی، مسئولیت‌پذیری، خلاق بودن و نظایر این‌ها، نیازمند روش‌هایی هستند که با ماهیت این خصیصه‌ها همخوانی داشته باشند و به نحوی بتوانند معلمان را در پرورش این خصیصه‌ها یاری کنند.

۲. نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش‌های ارزشیابی از منظر کارآفرینی در دوره‌ی ابتدایی چیست؟

نتایج تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه نگرش‌سنجی در بعد راهبردها و روش‌های ارزشیابی در پژوهش حاضر نشان دادند که با ۹۹٪ اطمینان می توان گفت که نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش‌های ارزشیابی کارآفرینی در دوره ابتدایی مثبت و معنی‌دار می‌باشد. در تحقیقات پیشین همچون نتایج پژوهش‌های هارا و جنسن (۶)، سایکولالاینو و همکاران (۷)، سوآری (۸)، اوجو، چینوی و اوبیاما (۹)، اوجو، چینوی و اوبیاما (۱۱) و برنامه‌ی یادگیری مادام‌العمر اتحادیه اروپا (۱۳) نیز نتایج مشابهی گزارش شده است. به عنوان مثال شاید یکی از دلایل همسویی نتایج پژوهش **اوجو، چینوی و اوبیاما** (۹) با پژوهش حاضر این باشد که آن‌ها نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که معلمان نسبت به ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه‌درسی متوسطه اول، نگرش مثبتی دارند. همچنین آن‌ها در پژوهش خود دریافتند که چنانچه معلمان پشتیبانی‌های ضروری و لازم را دریافت کنند، تمایل دارند تا مهارت‌های کارآفرینی را در دانش‌آموزان ایجاد کنند. بنابراین طبق پژوهش آن‌ها می‌توان اینگونه تبیین کرد که معلمان تمایل و توانایی لازم استفاده از روش‌ها و راهبردهای تدریس و ارزشیابی یادگیرنده‌محور، خلاقانه، گروهی و فعال در کلاس درس جهت ایجاد مهارت‌ها و خصیصه‌های کارآفرینانه را دارند. همچنین سایکولالاینو و همکاران (۷) معتقد هستند معلمان بهترین افراد برای ارزشیابی اهداف، اعمال و نتایج آموزش کارآفرینی هستند و بهترین و صحیح‌ترین بازخوردها را در مورد آموزش کارآفرینی از دانش‌آموزان به دست می‌آوردند. از نظر آن‌ها معلمان در عملیاتی شدن آموزش کارآفرینی و خصوصاً پیدا کردن بهترین روش‌ها و فعالیت‌های تدریس و ارزشیابی نقش حیاتی دارند. تیینی و وربالین (۱۱) نیز معتقدند روش‌های خلاقانه و جدید مبتنی بر تعامل، راهبردهای مفیدی برای تدریس و ارزشیابی کارآفرینانه در کلاس درس هستند. آن‌ها بر روش‌هایی چون پروژه‌های گروهی و تکالیف خلاقانه و گروهی در ارزشیابی تأکید دارند. شاید یکی از دلایل همسویی پژوهش آن‌ها با پژوهش حاضر این باشد که روش‌های ارزشیابی خلاقانه، پروژه‌محور و گروهی جزء مناسب‌ترین روش‌های ارزشیابی در آموزش کارآفرینی به حساب می‌آید و معلمان یکی از عوامل اصلی هستند که در اجرای این روش‌های ارزشیابی محوری هستند. بنابراین چنانچه نگرش مثبتی در استفاده از این روش‌ها همچون نوشتن طرح کسب‌وکار، ارزشیابی‌های گروهی و پروژه‌محور داشته باشند، می‌توانند در بارآوردن کودکانی خلاق و کارآفرین بسیار موفق باشند.

۳. نگرش معلمان نسب به راهبردها و روش‌های ارائه محتوا از منظر کارآفرینی در دوره‌ی ابتدایی چیست؟

نتایج تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه نگرش‌سنجی در بعد راهبردها و روش‌های ارائه محتوا کارآفرینی در پژوهش حاضر نشان دادند که با ۹۹٪ اطمینان می توان گفت که نگرش معلمان نسبت به راهبردها و روش‌های ارائه محتوا کارآفرینی در دوره ابتدایی مثبت و معنی‌دار می‌باشد. در این زمینه می‌توان به پژوهش‌های هارا و جنسن (۶)، سایکولالاینو و همکاران (۷)، سوآری (۸)، اوجو، چینوی و اوبیاما (۹)، گیب (۱۰)، اوجو، چینوی و اوبیاما (۱۱) و برنامه‌ی یادگیری مادام‌العمر اتحادیه اروپا (۱۳) اشاره کرد. به عنوان مثال گیب (۱۰) معتقد است که باید روش‌ها و مواد یادگیری را در آموزش کارآفرینی استفاده کرد که با محیط و محتوای واقعی کارآفرینی مربوط باشد. شاید یکی از دلایل همسویی پژوهش گیب با پژوهش حاضر این باشد که از نظر او چنانچه معلم در آموزش دروس کلاس درس همچون علوم و مطالعات اجتماعی از محتوای یادگیری شبیه به موقعیت واقعی کارآفرینی استفاده کند مانند طرح سناریو و محتواهای موقعیتی، می‌تواند در ادغام محتوای دروس کلاس درس با آموزش کارآفرینی بسیار موفق عمل کند؛ به عنوان مثال طرح محتواهای موقعیتی مربوط به مهارت‌ها و محتوای کارآفرینی از جمله تصمیم‌گیری و حل مسئله در درس مطالعات اجتماعی. پژوهش سوآری (۸) نیز با این تبیین به خوبی همخوان است. او نیز معتقد است باید از معلمان جهت جای دادن محتواهای کارآفرینی درون برنامه‌درسی، طراحی مواد جدید یادگیری همچون سناریو، قرار دادن پروژه‌ها و نظایر این‌ها حمایت گردد. همچنین در رابطه با این سؤال پژوهش می‌توان به پژوهش هارا و جنسن (۶) اشاره کرد. آن‌ها معتقدند یکی از روش‌های آموزش مربوط به کارآفرینی، حل‌مسئله است. از نظر آن‌ها، حل مسئله بخش مهمی از درس ریاضیات است و این حوزه‌ای است که بسیار با عناصر مهم آموزش کارآفرینی به واسطه‌ی مفاهیم مشترکی چون تحلیل، خلاقیت، برنامه‌ریزی، ریسک، همکاری و تأمل مربوط است. بنابراین در ارتباط با همسویی این پژوهش با پژوهش حاضر

می‌توان اینگونه تبیین کرد که روش حل مسئله سبب تلفیق محتوای آموزش کارآفرینی (مهارت‌های شخصی کارآفرینانه همچون خلاقیت، توانایی تحلیل، مدیریت بحران، ریسک‌پذیری و نظایر این‌ها جزء محتوای کارآفرینی محسوب می‌شوند) با محتوای آموزش ریاضیات و ایجاد تلفیق میان رشته‌ای محتوا می‌گردد و در نتیجه در این روش، معلم می‌تواند از طریق تلفیق ریاضیات و کارآفرینی با روش حل‌مسئله خصیصه‌هایی چون تحلیل، خلاقیت، تأمل، ریسک‌پذیری و مواجه با موانع را در کودکان رشد و توسعه دهد. بنابراین تمایل معلم به تلفیق این دو حوزه‌ی محتوایی (کارآفرینی و ریاضی) در دروسی مانند ریاضیات از طریق روش‌هایی مثل حل مسئله بسیار بااهمیت است و سبب توسعه‌ی مهارت‌های کارآفرینانه در کودکان می‌گردد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که معلمان نگرش مثبتی به روش‌های یاددهی– یادگیری آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی داشتند. طبق یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که معلمان یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی در مدارس ابتدایی هستند. آن‌ها به دلیل ایفای نقش خاص خود در کلاس درس می‌توانند، دید خاصی را نسبت به کارآفرینی رشد دهد؛ در نتیجه چنانچه معلمان نگرش مثبتی نسبت به آموزش کارآفرینی از طریق ادغام آن با راهبردهای یاددهی–یادگیری کلاس درس داشته باشند، می‌توانند در بارآوردن افرادی خلاق و دارای روحیه و نگرش کارآفرینی بسیار تسهیل گر و کمک‌کننده باشند. بنابراین طبق یافته‌های این پژوهش، برنامه‌های تربیت‌معلم با تجهیز معلمان به دانش، مهارت‌ها و روش‌های تدریس، ارزشیابی نوین و یادگیرنده‌محور و همچنین دانش کسب‌وکاری می‌توانند به آن‌ها کمک کنند تا در ادغام خصیصه‌ها و محتوای کارآفرینی با روش‌های تدریس و ارزشیابی و همچنین محتوای کلاس درس موفق عمل کنند و در نتیجه نگرش مثبتی نسبت به این روش یاددهی–یادگیری کسب کنند. مطابق یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری با روش‌های کیفی همچون مطالعه‌ی میدانی و قوم‌نگاری انجام شود. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در زمینه‌ی نگرش دانش‌آموزان و والدین دوره‌ی ابتدایی و متوسطه در زمینه‌ی روش‌های یاددهی– یادگیری آموزش کارآفرینانه انجام گیرد.

سپاسگزاری

از خانم فریبا معصومیان و کلیه افرادی که در انجام این پژوهش ما را یاری نمودند و همچنین مهارت‌آموزان شرکت‌کننده در این مطالعه تشکر و قدرانی ویژه داریم.

تضاد منافع

انجام این تحقیق و امتیازات علمی و پژوهشی حاصل از آن با منافع مادی و معنوی هیچ‌کس و هیچ گروهی و نهادی در تعارض نیست.

References

1. Axelsson K, Hägglund S, Sandberg A. Entrepreneurial Learning in Education Preschool as a Take-Off for the Entrepreneurial Self. JET. 2015; 2(2): 40-58.
2. Heilbrunn s. advancing entrepreneurship in an elementary school: a case study. IES. (2010); 3(2): 174-184.
3. Huber L.R, Sloof R & Van Praag M. The Effect of Early Entrepreneurship Education: Evidence from a Field Experiment. EER. (2014); 72, 76–97.
4. Du Gay, P. against 'Enterprise' (but not against 'enterprise', for that would make no sense). Organization. (2004); 11(1), 37-57.
5. Moghimi A, Ahmadpoo Daryani M. [Entrepreneurship training in Iran's Small and Medium business: Needs and Solutions]. Entrepreneurship Development. (2008); 1(1), 207-245.
6. Haara and Jenssen. Pedagogical Entrepreneurship in Teacher Education – What and Why. Icelandic Journal of Education. (2016); 25(2), 183−196.
7. Seikkula-Leino J, Ruskovaara E, Ikävalko M, Mattila J, Rytkölä T. Teachers' Reflections About Entrepreneurship Education. (2010); http://www.utbildningsstyrelsen.fi/download/116383_EARLI2009_Hollanti.pdf
8. Soare e. Fostering Entrepreneurial Learning in Teacher Education. Social & Behavioural Sciences Edu World 2016 7th International Conference. (2017). 183-187.
9. Uju, U, Chinwe, O, & Obioma, U. Attitude and Willingness of Teachers to the Intergration of Entrepreneurship Education into Secondary School Curriculum in Anambra State. British Journal of Education, Society & Behavioural Science. (2015); 10(1), 1–10.
10. Gibb, A A. Education for enterprise: training for small business initiation – some contrasts. Journal of Small Business and Entrepreneurship; (1987); 4(3). 42-47.
11. Ţibėnienė &Virbalienė. Learning Methods of Entrepreneurship Education. The collection of scientific papers. (2014); 123-133.
12. Soorgi F, Soorgi F. [Entrepreneurship Education in Primary Schools]. Second International Congress on Empowerment in Management, Economics, Entrepreneurship and Cultural Engineering, Tehran, Center for the Empowerment of Social and Cultural Skills .(۲۰۱۷) .
13. Lifelong Learning program of the European Union. Educative Booklet "A Quick Guide in Entrepreneurship for Pupils, Teachers and Management". Retrieved from http://www.zrinski.org/media/uploads/ep-ek/educative-booklet-en.pdf.
14. Roshan M, Seifi, E, Abdollahi B, Nokani Zh, Banijamal Z. [The Relationship between Teacher's Entrepreneurial Education and the Entrepreneurial Spirituality of High School Students in Tehran]. New Educational Thoughts. 2015; 1(41). 151-179.